

۱۳ اوضاع مملکتان دوران

خلافت حضرت عمر

در دوره خلافت حضرت عمر زندگی مملکت دستخوش تغییرات اساسی گردید. مملکتان در مناطقی که فتح می شدند همان ساختار اداری پیشین و سکه رایج و اعضای دربار و زبان رسمی آن منطقه را ادامه می دادند مگر آن مردمانی که مناطقشان فتح شده و مملکتان تازه اند مال و جانیشان محافظت شود و بتوانند قرآنی دینی خود را انجام دهند و در کنار آن این اشکوها بتوانند به عنوان منبع درآمدی برای نسلفای بومی مملکتان حساب گردند.

می دانیم که حضرت عمر برای دادوستد و عدل و انصاف بسیار مشهور است. از کارهای دیگر عمر می توان به تاسیس دستگاه قضای تاسیس تقویم جدید اسلامی و کارهای مذهبی و مدنی دیگری در زمینهای مانند بازار حج، حوزه مجازات کیفری و تقریباً تمامی زمینهای می توان نام برد. مقام خلافت که در زمان ابوبکر تنها به محضای جانشینی و تعلق می شود گردید. در دوران عمر ارتک قاطعیت و اعتبار نیز به خود گرفت و حضرت عمر به عنوان امیرالمومنین را برای اولین بار در مقام خلافت یکجا برد. دوران حکومت می را می توان به قدری مکتب از پولس و قدرتی بیشتر از پیشی شبیه نمود. مردم می توانستند بدون واسطه با عمر صحبت کنند و می را در این زمینه خود را با مردم برابر می دانست. عمر را می توان خلیفه نامید که حکم بسیار موثری در تشکیل یک قالب اجتماعی و سیاسی به امت اسلام داشته است.

از جمله خلفای راشدین اقتدار حضرت عمر را

"طلای نرین" زمان خلافت شناخته می شود
 در زمان خلافت حضرت امیر اسلام آنقدر گسترش
 یافت و وسیع شد که در زمان تمام خلیفه این
 قدر پیشرفت نگذشته بود. واقعه ای لازم بود
 می دانم که عدل و انصاف امیر را آشکارا می دهد.
 در سال ۱۸ هجری که به قحطی متکوار شد و سر سوزند یاد
 کرد که هرگز گوشت نخوردند تا شکم اطفال
 مسلمانان سیر نشود. همولا شترها را کوه و کوه
 در مسجد ذبح و برای فقرا توزیع می شد. روزی
 طبیح قمی از جنگ آمده و لاله حیوان مذبوحه
 را بریان و برای امیرالمومنین تقدیم کرد ایستاد
 گفتند: این غذا از آن کیست؟ طبیح گفت از شما
 است. ای امیرالمومنین! فرمود: "بدنحت اهل ارب
 درانت بنشیند. این غذاها را بر باد و برای
 فقرای مسلمانان توزیع کن و برای من همان نان
 خشک و روغن زیتون و نمک را بیاور. من تمام
 کاروانهای امدادی صیقلی را که از دستم ها می آمدند
 بدون اینکه چیزی از آنها بخورد میان فقرای
 مسلمانان تقسیم می کرد و غذای خودش همان
 نمک و روغن زیتون و نان و جو بود ایستاد
 در دامت را با تمام وجود خود لمس می کرد. در
 خطبه فرمود: "چگونه می توان حال لرطبت را در
 یابم، اگر دردهای که به آنها می رسید را شلخها
 لمس کنم، ایشان در رابطه با حفظ خود و مهری
 بیت المال شهادت دقت و دقت داشته است.
 مردم را صاحب بیت المال می دانستند.